

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

راهکارهای افزایش اعتماد سیاسی میان شهروندان و نظام اسلامی

محسن ردادی^۱ حسن وثوق زاده^۲ علیرضا مظاهری^۳

چکیده

«اعتماد سیاسی» عنصری مهم و تأثیرگذار در رابطه میان مردم و حکومت است که تا قبل از انقلاب، سیر نزولی به خود گرفته بود و با پیروزی انقلاب، استقرار نظام اسلامی و ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی تا حدود زیادی بهبود پیدا کرد. اما خلأهای زیادی در ثبات و تقویت اعتماد سیاسی وجود داشته و مشکلات و موانع عدیده‌ای در مسیر حرکت انقلاب قرار دارد که اعتماد سیاسی را خدشه‌دار کرده و مورد آسیب قرار داده است. اکنون سؤال این است که راهکارهای افزایش اعتماد سیاسی میان شهروندان و نظام اسلامی کدام است؟ در پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر به موانع ایجاد اعتماد سیاسی و راهکارهای اسلامی آن به روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل برخی متون دینی، به دلیل نوع داده‌های موجود در این زمینه پرداخته است. بر این اساس راهکارها در سه دسته درونی و اعتقادی، اقدامی و عملیاتی، و اقناعی و شناختی ارائه شده که در نتایج تحقیق به ایجاد تقوای سیاسی، ارتقای کارآمدی، مبارزه با فساد، شفافیت سیاسی، افزایش اعتقاد به مبانی معرفتی دین و انقلاب اسلامی، ایجاد انگیزه سیاسی میان شهروندان، افزایش توان رسانه‌ای و نشر کارآمدی نظام اشاره شده است.

واژگان کلیدی: اعتماد سیاسی، تقوای سیاسی، نظام اسلامی، کارآمدی، مردم‌سالاری دینی،

شفافیت.

۱. دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) و استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

radadi@iict.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، ایران.

afsarhvhvp@chmail.ir

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه امام صادق (ع) و طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، ایران. a.mazaheri@isu.ac.ir

انسان موجودی پیچیده و دارای ابعاد متنوع است. انسان‌شناسی یکی از مسائل مهم در دین اسلام و البته سایر مکاتب دیگر بوده و پرداختن به مسائل انسان‌شناسی، از توصیه‌های مؤکد دین مبین اسلام است. پرواضح است که پرداختن به مسائل انسان‌شناسی، خارج از چارچوب گزارش حاضر است، اما به همین نکته بسنده می‌شود که یکی از ابعاد مهم انسان، بُعد اجتماعی اوست و یکی از مسائل مهم رفتارهای اجتماعی انسان، موضوع «اعتماد» است. این اعتماد در ادبیات سیاسی و روابط میان انسان و ساختارهای حکومتی، با عنوان اعتماد سیاسی شناخته می‌شود. مشارکت سیاسی فعال مردم، حضور در راهپیمایی‌ها، انتخابات، نظارت بر عملکرد دولت (به معنای اعم) و مسائل حکومتی بی‌شماری وجود دارد که جلوه‌هایی از قدرت اعتماد سیاسی مردم به دستگاه حاکمیت یا همان نظام اسلامی در جمهوری اسلامی ایران است. اما این اعتماد سیاسی فراز و فرودهایی دارد که ضعف آن، قدرت سیاسی نظام اسلامی را در عرصه‌های بیرونی و درونی تحت تأثیر قرار داده و قوت آن، اقتدار سیاسی یا اقتدار در سایر عرصه‌ها را به ارمغان آورده و نیروی محرکی می‌شود در جهت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی. البته در نظام اسلامی این امر به خوبی واضح است که اعتماد و طرفداری مردم با نمایندگان مجلس یا کارگزاران بدین علت است که اسلامی هستند. امام امت علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «این مردم هم دنبال جمهوری اسلامی هستند؛ و این مردم هم از مجلس، مادامی که مجلس بر طریقه اسلام باشد، و از دولت، مادامی که دولت بر طریقه اسلام باشد، و از رئیس‌جمهور، مادامی که رئیس‌جمهور در طریق اسلام باشد، طرفداری می‌کنند» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ج ۱۴، ص ۳۷۲). یا رهبری در خصوص ضرورت اعتماد سیاسی در بحبوحه فتنه ۸۸ به این مسئله این‌گونه تأکید دارند: «دشمنان ملت ایران می‌دانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد. وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد. آنها این را می‌خواهند؛ هدف دشمن این است. می‌خواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش به مراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در یک چنین حرکت عظیمی این جور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را می‌خواهد» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۳/۲۹). اما سؤال اینجاست که ضعف در اعتماد سیاسی چگونه پیشگیری یا جبران می‌شود؟ یک کارگزار در نظام اسلامی - چه دولتی و چه نماینده مجلس - چه وظایفی در قبال این امر مهم دارد؟ گزارش حاضر درصدد پاسخگویی به این مسئله است تا بتواند به‌عنوان پشتوانه علمی و عملی مطلوبی برای نمایندگان مجلس یا کارگزاران نظام قرار گیرد. در پایان این نکته حائز اهمیت است که در سوابق تقنینی، قانون خاصی که به‌طور دقیق به این مسئله دلالت داشته باشد وجود ندارد؛ اما به‌صورت لوازم قوانین یا نتیجه بررسی برخی از اصول مانند اصل سوم قانون جمهوری اسلامی ایران، لایحه

شفافیت که طی آن موازینی درباره شفاف‌سازی کارکردها بیان می‌کند، می‌تواند در جلب اعتماد عمومی مؤثر باشد.

۱. چارچوب مفهومی

ساختار گزارش حاضر که درصدد ارائه راهکارها و روش‌های افزایش اعتماد سیاسی است بر پایه سه مؤلفه شکل می‌گیرد که هرکدام، یک بخش از اعتماد سیاسی را شامل می‌شود:

۱-۱. اعتقادی و درونی

هر مسئله‌ای که مربوط به اعتقادات و مسائل درونی کارگزار بوده و شدت و ضعف آن در عنصر اعتماد مردم به نظام و کارگزاران تأثیر می‌گذارد.

۲-۱. اقدامی و عملیاتی

به فعالیت‌ها و اقدامات دولت که جهت بیرونی داشته و در راستای وظایف ذاتی آن در ساختار سیاسی است. هرچه اقدامات و عملیات‌های دولت و کارگزار در جهت کارآمدی آن باشد، به تبع آن اعتماد سیاسی مردم افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که منظور از دولت، اعم از قوه مجریه بوده و شامل همه کارگزاران نظام می‌شود.

۳-۱. اقناعی و شناختی

سازوکارهایی که دستاوردهای سیاسی و غیرسیاسی دولت و کارگزار را در انظار عمومی قرار داده و موجب اقناع عمومی و اصلاح شناخت منفی از دولت و کارگزار گردد که در نتیجه آن اعتماد عمومی مردم به دولت افزایش می‌یابد. قطعاً ضعف در این مؤلفه با در نظر گرفتن جنگ شناختی و عملیات روانی دشمن، اعتماد عمومی کارآمدترین دولت را هم پایین می‌آورد.

این سه مؤلفه به‌مثابه سه ضلع یک مثلث است که هرکدام، وجهی از اعتماد سیاسی را شکل می‌دهند و البته مؤلفه پایه، همان اعتقادی و درونی است؛ چراکه هرکدام در نهایت به‌نوعی به این مؤلفه برمی‌گردند.



اعتقادی و درونی

شکل ۱. مثلث اعتماد سیاسی

در ادامه هر کدام از روش‌های افزایش اعتماد سیاسی که ذیل این سه مؤلفه هستند بیان خواهد شد.

۲. پیشینه مطالعه اعتماد سیاسی

موضوع اعتماد سیاسی مورد توجه محققان قرار دارد و از زاویه‌های گوناگون بررسی شده است. حداقل می‌توان سه نسل را در مطالعه اعتماد سیاسی از هم متمایز کرد.

۱-۲. نسل اول مطالعات اعتماد سیاسی

در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی، اعتماد سیاسی به‌عنوان مؤلفه قطعی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی که مربوط به هر فرد است، در نظر گرفته می‌شد. اما به تدریج محققان متوجه شدند که سطح فردی، نمی‌تواند همه زوایای اعتماد سیاسی را آشکار نماید.

۲-۲. نسل دوم مطالعات اعتماد سیاسی

با توجه به نقایصی که در نسل اول مطالعات اعتماد سیاسی آشکار شد، رهیافت جدیدی در این زمینه جستجو شد. در پژوهش‌های جدید، به‌جای اینکه ریشه‌های اعتماد را در وضعیت روان‌شناختی افراد جستجو کنند، سیستم سیاسی را محور بررسی‌ها و پژوهش‌های خود قرار دادند. براساس این رهیافت، مردم به نظام سیاسی‌ای اعتماد می‌کنند که «خروجی‌های سیاسی» آن بیشتر مطابق میلشان باشد.

۳-۲. نسل سوم مطالعات اعتماد سیاسی

تحقیقات اخیر، پا را فراتر نهاده و پیشنهاد می‌کنند که مردم علاوه‌بر خروجی نظام سیاسی، به «روند تصمیم‌سازی» که در نهادهای سیاسی در جریان است نیز اهمیت می‌دهند و این روندها بر اعتماد سیاسی مردم تأثیر دارد. به عبارت دیگر فقط نتایج سیاسی تعیین‌کننده اعتماد سیاسی مردم نیست. اگر روندهای تصمیم‌سازی عادلانه و منصفانه نباشد و اعتماد مردم را جلب نکند، حتی بهترین نتایج و کارآمدترین سیاست‌ها نیز قادر نیست که اعتماد مردم را جلب کند.

برای مردم، هم نتایج و برایندها اهمیت دارد و هم فرایندهایی که به تصمیم‌سازی منجر می‌شود. بنابراین اندیشه‌ها و توصیه‌هایی که با کارآمدسازی نظام سیاسی به دنبال جلب اعتماد مردم هستند، به نسل دوم مطالعات اعتماد سیاسی تعلق دارند. اکنون مردم به سلامت فرایندها و سیاست‌گذاران نیز اهمیت می‌دهند.

۳. مفاهیم

۱-۳. مفهوم اعتماد

در فرهنگ فارسی معین اعتماد بدین گونه معنا شده است: «تکیه کردن بر، واگذار کردن کار به کسی، سپردن چیزی را به کسی، وثوق و اطمینان» (معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه اعتماد). در منابع اسلامی و اصطلاحات به کاررفته در آن، اعتماد در کنار واژگانی مانند اطمینان، توکل، ثقه، امن و رکون آمده است که البته واژه اطمینان و امن با اعتماد در مفهوم تفاوت‌هایی باهم دارند؛ چراکه اطمینان درجه بالاتری از احساس امنیت و امن بودن نسبت به اعتماد را دارد (توکلی، ۱۳۷۹: ۴۹). البته در تعریف اعتماد صاحب‌نظران اتفاق نظر نیست ولی به‌هرحال تعاریف متعددی از آن شده است. هاردین^۱ در تعریف اعتماد می‌گوید: «اعتماد، منفعت محافظت‌شده‌ای^۲ است که بر پایه این اعتقاد قرار گرفته که فرد مورد اعتماد، صاحب انگیزه‌ای است که وی را قابل اعتماد می‌نماید». به اعتقاد هاردین، این انگیزه اعتماد است که قابلیت اعتماد را می‌سازد. در این چارچوب، اعتماد نتیجه وجود «قابلیت اعتماد» در افراد است. این قابلیت‌ها باعث می‌شود که دیگران برای اعتماد کردن، انگیزه داشته باشند. «تیک‌نامی و تعهد» پایه‌ای برای ایجاد اعتماد است. اگر من به دوستم اعتماد می‌کنم و کتابم را به او می‌دهم، به این دلیل است که اعتقاد دارم او برای حفظ منافع آینده‌اش، به اعتماد من خیانت نخواهد کرد. اینکه قرار است در آینده باهم از من کتاب بگیرد و به این طریق کسب منفعت نماید، انگیزه‌ای است که می‌دانم در او وجود دارد و به همین دلیل او را قابل اعتماد می‌شمارم (هاردین، ۲۰۰۶: ۳).

اعتماد فرایندی است چندجانبه و از یک بُعد حاصل نمی‌شود. به‌طور کلی پیمودن چند اقدام عملی و داشتن چندین معیار درونی و اعتباری در شخص منجر به اعتماد می‌شود. در نگاه برخی دیگر، اعتماد یک عمل دوجانبه است که اگر مشاهده شود طرف مقابل به هر چیزی که طرف اول به او می‌گوید عمل می‌نماید، اعتماد شکل می‌گیرد و در صورت عکس اعتمادی بین این دو طرف نیست (سید جوادین، ۱۳۷۸: ۵۹). در مجموع در تعریف ماهیت اعتماد می‌توان گفت که همان اتکا به خداوند، اعتمادبه‌نفس یا دیگران یا دنیای خارج (به‌جز اشخاص) را در بر می‌گیرد.

۲-۳. اعتماد سیاسی

پایه اعتماد سیاسی، بر حالت‌های تطبیق رفتار دولت و انتظارات مردم ترسیم می‌شود و به میزان حمایت مردم از مجموعه‌های سیاسی دولت ارتباط دارد (هشرینگتون، ۱۹۹۸: ۷۹۱). به میزان برآورده ساختن انتظارات

۱. Hardin.

۲. Encapsulated interest.

مردم توسط دولت، اعتماد مردم به دولت هم افزایش پیدا می‌کند و دولت بیشتر مورد اعتماد قرار می‌گیرد. یعنی منطبق بودن با انتظارات مردم، به سیاستمداران و نهادهای سیاسی قابلیت اعتماد می‌بخشد.

مردم به خروجی‌های نهادهای سیاسی، بازیگران سیاسی و روندهای سیاست‌گذاری توجه می‌کنند و چنانچه در این نقاط، انتظارات خود از دولت را برآورده شده ببینند، اعتماد سیاسی آنها افزایش می‌یابد. اما اگر احساس کنند که خروجی‌های نهادهای سیاسی برخلاف انتظار هنجاری آنهاست یا بازیگران سیاسی مطابق انتظار آنها رفتار نمی‌کنند و اصول اخلاقی را نقض کرده یا در انجام مسئولیت، سستی و ناتوانی از خود نشان می‌دهند، اعتماد سیاسی آنها کاهش می‌یابد.

اعتماد سیاسی، مؤلفه لازم در جهت ایجاد همبستگی میان مردم و دولت است که در نهایت به ایجاد رشته ارتباطی میان تصمیمات دولت و مردم ختم می‌شود. بدون اعتماد سیاسی هیچ دولتی توان نظم ساختار اداری و کلان‌کسوری خود را ندارد. در واقع اعتماد پشتوانه تصمیمات دولت است. اگر دولتی اعتماد مردم خود را از دست بدهد در درجه اول حمایت مردم را از دست داده و در ادامه مقبولیت آن دولت خدشه‌دار می‌گردد.

راسل هاردین معتقد است که اعتماد به دولت اصولاً غیرممکن است. تنها زمانی می‌توان به یک سازمان مانند دولت اعتماد کرد که دو شرط زیر به‌صورت کامل حاصل شده باشد:

۱. تمام کارگزاران سازمان (دولت) باید افراد قابل اعتماد باشند.
۲. مردم انگیزه کافی برای اعتماد به سازمان (دولت) داشته باشند. پیش‌شرط این قضیه این است که مردم احساس کنند که سازمان عملکرد «سازگار کردن انگیزه‌ها»^۱ را به‌خوبی انجام می‌دهد و انگیزه‌های کارگزاران منفعت‌طلب دولتی با منافع عمومی جامعه سازگار باشد. یعنی دولت به‌گونه‌ای میان منافع کارگزاران دولت و جامعه، آشتی و هماهنگی برقرار سازد که منافع جامعه مورد تهدید قرار نگیرد. از آنجاکه هیچ‌یک از این دو شرط قابل تحقق کامل نیستند، نمی‌توان به دولت اعتماد کرد و همواره باید به دولت بی‌اعتماد بود.

۳-۳. وضعیت اعتماد سیاسی در سایر کشورهای دنیا

پیمایشی که توسط WVS^۲ و EVS^۳ بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰ در ۸۰ کشور با نظام‌های دموکراتیک مستقر و تازه‌تأسیس انجام شده، نشان می‌دهد اعتماد سیاسی در بیشتر دموکراسی‌ها رو به زوال است و میزان این کاهش اعتماد، قابل توجه است. این آمار نشان می‌دهد که اعتماد به پارلمان‌های

۱. Incentive-Compatibility.

۲. World Values Surveys.

۳. European Values Surveys.

دنیا در بسیاری از کشورها کاهش یافته است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در غرب، دیگر مردم دولت را نهادی سودمند به‌شمار نمی‌آورند؛ بلکه تولیدکننده رسوایی، اسراف و مداخلات بی‌مورد در زندگی شهروندان تلقی می‌کنند. در چهل سال گذشته، اعتماد سیاسی به شکل وحشتناکی کاهش یافته است. از این کاهش بی‌سابقه اعتماد سیاسی، با عنوان «زوال اعتماد سیاسی»^۱ یاد می‌شود. یکی از نشانه‌های این وضعیت وخیم، بحران در مشارکت سیاسی است که نگرانی‌های زیادی در میان سیاستمداران و عالمان سیاسی برانگیخته است.

در سوم مارس سال ۲۰۰۶، روزنامه **سیدنی مورنینگ هرالد**^۲ نتایج یک نظرسنجی را اعلام کرد که طبق آن، بیشتر مردم اعتقاد داشتند دولت مرتب به آنها دروغ می‌گوید. بریتانیا نیز که از قدیمی‌ترین نهادهای دموکراتیک دنیا برخوردار است، اکنون با بحران زوال اعتماد به سیاستمداران مواجه شده است. در سوئد، دید مردم به سیاستمداران نسبت به دهه ۱۹۵۰، به‌خصوص در رسانه‌ها بسیار منفی‌تر شده است.

آمارها در این زمینه مفصل هستند و صرفاً به بیان برخی موارد بسنده شد. هدف این است که نشان داده شود روندهای متعارفی که در کشورهای دموکراتیک برای اعتمادآفرینی به‌کار گرفته می‌شود کافی نیستند. شاید زمان آن رسیده باشد که از منابع دیگری مانند اسلام استفاده کنیم تا اعتماد سیاسی تولید شود.

۴. ماهیت اعتماد در حکومت اسلامی

در حکومت اسلامی، اعتماد چیزی فراتر از ماهیت اعتماد در سایر نظام‌های سیاسی است. بیان شد که اعتماد حالت دوطرفه‌ای دارد که این دو طرف در جهت نیل به اهداف خود براساس حکم فطرت به همدیگر اعتماد می‌کنند تا نیازهای یکدیگر را بر پایه اعتمادی که به هم دارند برآورده سازند. پرواضح است که اعتماد می‌تواند یک‌طرفه بوده و در طرف دیگر نباشد، اما به‌هرحال در مفهوم اعتماد، دو طرف فرض گرفته شده است. البته این دو طرف می‌تواند دو فرد، دو حکومت یا یک حاکمیت و یک جامعه باشد. اما در حکومت اسلامی، باید رابطه اتحادی بین حکومت و مردم باشد. به عبارت دیگر، اعتماد در جایی مطرح می‌شود که دوئیتی بین حکومت و مردم تصور شود؛ اما در حکومت اسلامی، حکومت و مردم با همدیگر رابطه اتحادی دارند و این قطعاً چیزی فراتر از اعتماد است؛ چراکه مردم، حکومت را از آن خود می‌بینند و حکومت هم مردم را در چارچوب مردم‌سالاری دینی، کاملاً متحد با خود می‌داند و این

۱. Decline of Political Trust.

۲. Sydney Morning Herald.

یعنی اتحاد. درست است که در شرایط کنونی هنوز این حالت به‌درستی و کامل شکل نگرفته است و جمهوری اسلامی هنوز در مرحله اعتمادسازی قرار دارد اما باید این نکته را در نظر داشت که هرچه این اتحاد ملی و انسجام اسلامی بیشتر شود، زیر پرچم آن، اعتماد سیاسی بیشتر تقویت می‌شود. همچنین «با انسجام و اتحاد کلمه و همدلی، کشور در سیاست خارجی و مسائل جهانی عزت و هیبت پیدا می‌کند؛ و در اجرای مقررات و سیاست‌های لازم در داخل، قدرت می‌یابد. بنابراین انسجام و وحدت و همدلی و همفکری، بسیار مهم است» (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۸۴/۳/۸). بنابراین ماهیت اعتماد در حکومت اسلامی به مسئله اتحاد برمی‌گردد و همه راهکارهای افزایش اعتماد سیاسی باید در جهت ایجاد اتحاد بین مردم و حکومت اسلامی قرار گیرد.

۵. مؤلفه‌های افزایش اعتماد سیاسی

۱-۵. اعتقادی و درونی

۱-۱-۵. تقوای سیاسی

از جمله مؤلفه‌های افزایش اعتماد سیاسی که مربوط به اعتقادات و مسائل درونی کارگزار بوده و شدت و ضعف آن در عنصر اعتماد مردم به نظام و کارگزاران تأثیر می‌گذارد، تقوای سیاسی است. از طرفی رکن اصلی در ایجاد اعتماد عمومی، وجود تقوای سیاسی در مسئولان است. در رویکرد اسلامی «تقویت مهارکننده‌های درونی انسان» مهم‌ترین عامل در ایجاد اعتماد محسوب می‌شود. اگرچه نهادها هم بسیار اهمیت دارد، اما این نمادها و نظارت بیرونی، انسان را از خودمهارى بی‌نیاز نمی‌کند.

۱-۱-۵. مفهوم تقوای سیاسی

«تقوا» یک روش عام است که بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. یکی از این جنبه‌ها، بُعد سیاسی زندگی افراد است که «تقوای سیاسی» نام‌گذاری می‌شود. تقوای سیاسی باعث می‌شود خودمهارى در فرد تقویت شود و او را نسبت به آفات «قدرت سیاسی» مصون سازد. تقوای سیاسی، به صاحب‌منصبان و کارگزاران کمک می‌کند که به افرادی قابل‌اعتمادتر تبدیل شوند. تقوای سیاسی نیز به کار بستن این هنجار در عرصه قدرت و سیاست است. متقیان کسانی هستند که در «کسب و حفظ قدرت» رعایت تقوا می‌کنند و مراقب هستند که در مواجهه با رقبا و نیز رابطه با هم‌حزبی‌ها، به حریم‌های الهی نزدیک نشوند. مثلاً علاوه بر دوری از دروغ، تهمت، ریختن آبروی مؤمن، حسادت... از هر نوع گفتار و رفتاری نیز که شائبه نزدیک شدن به این محرّمات را داشته باشد دوری می‌کنند. مجهز شدن به ملکه تقوا باعث می‌شود کارگزاران در رقابت‌ها، رفاقت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، ارتباطات و... اخلاقی‌تر و هنجاری‌تر رفتار کنند. در نتیجه مثلاً مجلسی که تقوا در آن رایج باشد به منافع عمومی اهمیت بیشتری

می‌دهد و تضاد منافع در آن کمتر رخ می‌دهد. در بیان امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) در خصوص تقوای سیاسی چنین آمده است: «پایه همه خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی، یعنی هرکس بین خود و خدا سعی کند از جاده صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی، یعنی هرکس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. سیاست به معنای پشت‌هم‌اندازی و فریب و دروغ گفتن به افکار عمومی مردم، مطلوب اسلام نیست. سیاست، یعنی اداره درست جامعه. این جزو دین است. تقوای سیاسی، یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه عمل کند» (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۸۱/۰۵/۰۵).

«تقوا» یک صفت اکتسابی محسوب می‌شود و اگر صفت تقوا، ملکه و مستقر در فرد شود او را به فرد متقی تبدیل می‌کند. اصلی‌ترین مفهومی که در دل کلمه «تقوا» نهفته است، «محافظة، نگهداری، مراقبت و پاسداشت» است. عمده کارکرد تقوا نیز همین «نگهداری» است و بسیاری از نویسندگان تقوا را به معنای نگه‌داشتن خود از ارتکاب گناه به کار برده‌اند. تقوا، یعنی مراقبت کامل از گفتار و کردار و حتی خاطرات و خطرات ذهنی (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۶۶/۰۲/۱۸). تقوا، یعنی اینکه دائم مراقب خودمان باشیم و نگذاریم که اشتباه کنیم (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۸۱/۰۷/۲۸). تقوا، یعنی آن مراقبت و توجه دائمی که در افراد بالا به صورت یک ملکه، یعنی یک خصلت غیرقابل انفکاک از انسان درمی‌آید؛ دائماً انسان توجه دارد (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۶۶/۰۳/۰۷).

«وقایه»، ریشه کلمه تقوا، به معنای «زیاده‌روی در نگهداری» است و صاحبان تقوا، کسانی هستند که از ارتکاب خطا (گناه و سایر اشتباهات) خود را حفظ می‌نمایند. در قرآن، ریشه کلمه تقوا یعنی (وقایه) به معنای نگهداری خود از ناملایماتی مانند خیانت و مکر و نیز از گرما سرما و عذاب به کار رفته است: ﴿فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكُرُوا﴾ (غافر/ ۴۵)؛ ﴿وَجَعَلَ لَكُم سَرَائِلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَالْحَرَّ سَرَائِلَ تَقِيكُمُ بَأْسَكُمْ﴾ (نحل / ۸۱).

در معارف اهل بیت علیهم‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ، وَالْحَرَامَ بَيْنَ، وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ، وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى، يُوشِكُ أَنْ يَقَعَ فِيهِ، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ؛ حَلَالٌ أَشْكَارٌ وَحَرَامٌ أَشْكَارٌ وجود دارد و بین این دو مشتبهات است که بسیاری از مردم نمی‌دانند حلال است یا حرام. پس هرکس در مورد شبهات دوری نماید، دین و آبرویش را سالم نگاه داشته است و هرکس در شبهات بیفتد، لاجرم مرتکب حرام می‌شود. مانند چوپانی که گوسفندانش را در اطراف قرقگاه و چراگاه خصوصی می‌چراند و بعید نیست که گوسفندان، وارد این قرقگاه شوند. آگاه باشید که هر پادشاهی یک قرقگاه دارد و قرقگاه خداوند، حوزه محرمات است» (نوری، ۱۳۶۶: ج ۱۷، ص ۳۲۳). یک فرد باتقوا، باید از «حرام» و «حریم حرام»، هردو دوری نماید؛ زیرا کسی که در حریم محرمات وارد شود، کم‌کم وارد محرمات نیز

می‌شود. علامه طباطبایی نیز تقوا را با اصل احتیاط تعریف می‌کنند: «تقوا نوعی احتراز است» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۳، ص ۵۶۹). در *سفینه البحار* حکایت شده است که «مردی از یک زاهد درخواست کرد که تقوا را برای او تعریف کند. گفت: چون داخل سرزمینی شدی که خار بسیاری در آنجا هست، چگونه عمل می‌کنی؟ گفت: قدم به قدم پرهیز کرده و خود را از آن خارهای گزنده حفظ می‌کنم. عابد گفت: در زندگی دنیوی خود باید چنین باشی، و حقیقت تقوا همین است».

تمایز فرد باتقوا از دیگر مؤمنان در این است که نه تنها مرتکب محرمات نمی‌شود، بلکه از امور شبه‌ناک دوری می‌کند و احتیاط به خرج می‌دهد. احتیاط، رکن جدایی‌ناپذیر فرد متقی است. تقوا، به هیچ‌عنوان، تحت تأثیر فشار خارجی نیست؛ بلکه لزوماً باید در خود فرد ریشه داشته باشد و خودخواسته به وجود آید. تقوا، مانند یک حفاظ عمل می‌کند و اعمال و رفتار را محدود می‌سازد. فرد باتقوا، حتماً با احتیاط و وسواس، چهارچوب رفتاری خود را انتخاب می‌کند و برای خود آزادی عمل قائل نیست. محدوده عملکرد وی، فقط در جایی است که شرع صراحتاً مجاز دانسته است و اگر مجوز شرعی برای ارتکاب یک عمل نیابد، قطعاً احتیاط کرده و آن عمل را ترک می‌نماید.

از حضرت امیر علیه السلام در نامه ۵۳ *نهج البلاغه* خطاب به مالک اشتر نقل شده است که می‌فرمایند: «هرگاه شکوه ویژه فرمانروایی به نخوت و خودبزرگ‌بینی دچار ساخت، با دقت در بزرگی ملک خدا و نیرویش بنگر که چگونه با تو و بر تو سلطه دارد و بندبند وجودت، در اختیار اوست که این بی‌تردید نافرمانی‌ات را رام می‌کند و بر تندروی‌هایت مهار می‌زند و آنچه را که از خردت گریخته است به سویت بازمی‌گرداند». نخوت که عامل هرگونه نفرت و بزرگ‌نمایی است و سرانجامش غلو است، اگر در مسئولی وجود داشته باشد قطعاً بی‌اعتمادی و ناامیدی مردمی را در پی خواهد داشت. این تقوا و خودمهارى با توجه به کلام امیرالمؤمنین علیه السلام آدمی را از غرور بازداشته و محبت و رشد را حاصل می‌کند. با این توصیفات، می‌توان مفهوم تقوا را به این شکل تعریف نمود: «تقوا، عبارت است از ترس و احتیاط درونی و ارادی، که مانع از نزدیک شدن فرد به حریم محرمات می‌گردد».

۱-۵-۲. آثار تقوای سیاسی

الف) عدالت و مساوات: از مهم‌ترین آثار تقوای سیاسی مساوات و عدالت است. بدون تقوا هیچ‌کس از سوءظن و تباهی دور نخواهد بود. قوه اصلی برای آبادانی شهرها مسئولان باتقوا هستند که هرچه هست به مساوات تقسیم و به عدالت انجام می‌دهند. علامه نراقی در *جامع السعادات* به استناد حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که در مورد نتیجه بی‌عدالتی فرموده «لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ» می‌نویسد: «شریف‌ترین و مهم‌ترین عدالت‌ها و برترین و عمومی‌ترین سیاست‌ها عدالت حاکم و زمامدار است؛ زیرا دیگر وجوه عدالت به آن بستگی دارد و اگر آن نباشد هیچ‌کس نمی‌تواند عدالت را رعایت کند و چگونه

جز این تواند بود و حال آنکه تهذیب اخلاق و تدبیر منزل متوقف بر آسودگی خاطر و انتظام احوال است»، و نتایج اجتماعی بی‌عدالتی این‌گونه است: «... و با جور و ستم سلطان امواج متلاطم فتنه‌ها سر بر می‌آورد و انواع رنج‌ها انبوه و مترکم می‌شود و موانع مزاحم آسایش و آرایش رخ می‌نماید و سختی‌ها و بلاهای زمانه رو می‌آورد و طالبان کمال همچون سرگشتگان در بیابان‌ها نه راهی به منزل و قصد خویش می‌یابند و نه راهنما و هدایت‌کننده‌ای پیدا می‌کنند. میدان علم و عمل ویران می‌گردد و تاریکی همه اطراف آن دو را فرامی‌گیرد و دیگر ملاک و معیاری برای تحصیل سعادت‌ها یعنی آسایش خاطر و آرامش درون و انتظام ضروریات زندگی برای افراد انسان یافت نمی‌شود» (نراقی، ۱۳۶۴: ۱۲۳).

ب) عمل به وعده: از دیگر آثار و نتایج تقوای سیاسی، عمل به وعده است که منجر به ایجاد اعتماد سیاسی بین مردم و حکومت می‌شود؛ چراکه اگر مسئولی، وعده‌ای به مردم بدهد و طبق آن وعده عمل کند، مردم به آن اعتماد پیدا می‌کنند؛ اما اگر وعده‌ای دهد و عمل نشود یا بگوید فلان کار شده، مردم در واقعیت دیدند نشده، اعتماد مردم سلب می‌شود (رهبر معظّم انقلاب؛ ۱۴۰۰/۰۶/۰۶).

ج) اعتماد به مردم: یکی دیگر از آثار و نتایج تقوای سیاسی، اعتماد مسئول متقی به مردم است؛ چراکه آدم متقی به خدا اعتماد و تکیه دارد و به فرموده رهبری از جمله موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمان‌هاست؛ اعتماد به محبت‌هاست؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است (رهبر معظّم انقلاب؛ ۱۳۹۳/۰۶/۱۴).

در نتیجه وقتی انسان تهی و عاری از تقوا در جایگاه مسئولیت قرار می‌گیرد، سیاست مضران خود را در نظام ساختاری و تشکیلاتی ایجاد می‌کند. در واقع هیچ نهادی قدرت مقابله با تمام ابعاد مضران انسان را ندارد. نهادها و دستگاه‌ها، تنها ابزار بیرونی برای حفاظت از آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی هستند. اگر شخص حصار مدیریتی را با دغل یا فریب بشکند، وارد وادی آزادی و اختیار مطلق می‌شود. اما تقوا فراتر از حصار بوده و بلکه جزء نزدیک به شریانات اصلی فرد است. اگر مسئولان و نمایندگان مجلس، ابتدا به جایگاه و شرف انسانی خود توجه کنند و متوجه این اهم شوند که انسان دارای تعالی و ارزش والایی در جایگاه خود است، قطعاً لحظه‌لحظه خدمت‌رسانی خود را غنیمت شمرده و قدر می‌دانند.

۱-۱-۳. موانع کاربست تقوای سیاسی

برخی از عوامل، ویژگی‌های شخصیتی و فرهنگ‌ها، به‌عنوان مانع در برابر تقوا ظاهر می‌شوند و اجازه نمی‌دهند که روش زندگی تقوامدار در میان مسئولان گسترش یابد و به‌عنوان یک روش برای افزایش اعتماد سیاسی به‌کار گرفته شود. در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

الف) غرور و تعصب: تقوا، روش زندگی است و باید ملکه اخلاق انسان شود. اما اگر «غرور و تعصب» ویژگی شخصیتی فرد شده باشد، نمی‌تواند روش زندگی تقوامدار را بپذیرد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ» و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «تقوای

الهی پیشه کنید» (لجاجت آنان بیشتر می‌شود)، و لجاجت و تعصب، آنها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است و چه بد جایگاهی است! ﴿(بقره / ۲۰۶). بنابراین نمایندگان مجلس و کارگزاران سیاسی باید آراسته به تواضع و فروتنی در برابر خداوند و احکام الهی باشند تا بتوانند به ملکه تقوا برسند.

ب) بی‌دقتی در رعایت دستورهای الهی: تقوا به معنای احتیاط و دوری از محرّمات الهی است. بنابراین مهم است که با دقت و وسواس، از حرام‌های الهی پرهیز شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد. این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید تقوا پیشه کنید﴾ (انعام / ۱۵۳). این آیه شریفه، یکی از مهم‌ترین موانع تقوا را بیان می‌نماید. پیروی از راه‌های غیرخدایی باعث می‌شود روش زندگی تقوادرار قابلیت اجرا نداشته باشد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «پیمودن راه خدا و تقوای دینی وقتی حاصل می‌شود که در درجه اول محرّمات الهی شناخته شود و در درجه دوم به کمک تعقل و تذکر از آن محرّمات اجتناب به عمل آید. و به عبارت دیگر انسان به فطرت انسانیت که بنای دین خدا براساس آن نهاده شده ملتزم شود و از آن تخطی نکند. اگر منحرف شد و راه اهو و غرور به زندگی دنیا را پیش گرفت این هوا و هوس‌ها او را به بی‌بندوباری کشانیده و به مخالفت با عقل سلیم و ترک تقوای دینی و بی‌مبالاتی و تهور نسبت به عواقب شوم آن وادار می‌کند، و کار او را به جایی می‌کشاند که مانند مردم مست نمی‌فهمد چه می‌کند و با او چه می‌کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۷، ص ۵۲۲).

ج) سنجش‌ناپذیری: یکی از موانعی که باعث می‌شود تقوای سیاسی چندان مورد توجه قرار نگیرد این است که تقوا، سنجه‌ای فراگیر و آشکار ندارد. معمولاً هر چیزی که ملموس و سنجیدنی نباشد مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و از دایره ابزارها خارج می‌شود. احتمالاً تصور این است که حتی اگر نماینده‌ای باتقوا هم باشد، چون نمی‌توان میزان تقوای او را اندازه گرفت، بنابراین بود و نبود آن اهمیتی ندارد. وقتی ابزاری برای کشف و وزن کردن تقوا نباشد، چه فایده‌ای دارد که برای گسترش تقوا برنامه‌ریزی و هزینه کرد؟ اگر حتی تقوا را جزو ملاک‌های تعیین صلاحیت نمایندگان قرار دهیم، به دلیل سنجش‌ناپذیر بودن، تشخیص متقی بودن افراد با اعمال سلیقه همراه می‌شود و خود این موضوع ایهام‌ها و پیچیدگی‌ها را بیشتر می‌کند.

این موضوع شاید مهم‌ترین مانع در کاربست تقوا در عرصه سیاسی باشد. در پاسخ چند نکته را باید گوشزد کرد:

نکته اول: قرار نیست تقوای سیاسی جایگزین انواع شاخصه‌های ملموس و سنجیدنی شود که در نظارت‌های جاری و بیرونی استفاده می‌شود. تقوای سیاسی مکملی مهم و مؤثر برای این شاخصه‌های ملموس و نظارتی است. گسترش تقوا و هنجارهای مربوط به آن باعث می‌شود نمایندگان مجلس تمایل کمتری به گناه داشته

باشند و ارتباط بهتری با مردم برقرار کنند. این موضوع باعث افزایش اعتماد سیاسی می‌شود.

نکته دوم: برای تعیین صلاحیت‌ها، حتماً متکی به شواهد و مدارک هستیم و در این زمینه قرار نیست تقواسنج استفاده شود و ملاک تعیین صلاحیت قرار گیرد.

نکته سوم: هرچند سنجش ایجابی تقوا، به معنای اینکه یک فرد چقدر باتقواست، دشوار است، اما سنجش سلبی آن راحت است. مثلاً می‌دانیم که با ارتکاب گناهان بّین، روح تقوا از فرد جدا می‌شود. کسی که عامدانه و آگاهانه دروغ می‌گوید، نمی‌تواند باتقوا باشد. در حال حاضر احتمالاً در تعیین صلاحیت‌ها، پرهیز از دروغ و تهمت ملاک مدنظر قرار نگرفته است؛ اما شاید بتوان ارتکاب این گناهان کبیره را ملاک رد صلاحیت قرار داد.

نکته چهارم: در دوران صدر انقلاب اسلامی، ظاهراً افراد تقوای بیشتری داشتند و این موضوع مشهود بود. هرچند این تقوا سنجیدنی نبود، اما تأثیر زیادی در جلب اعتماد سیاسی مردم داشت. چرا چنین تجربه‌ای دوباره تکرار نشود، بدون اینکه از نظارت‌های بیرونی کاسته شود؟ برای تقویت و ترویج تقوا بین کارگزاران و نمایندگان تلاش شود و با گسترش هنجاری آن، زمینه افزایش صلاحیت آنان فراهم می‌شود و در نتیجه اعتماد سیاسی افزایش می‌یابد.

۱-۲. تحول معرفتی و اعتقادی نسبت به نظام اسلامی و مبانی آن

مسئله دیگری که مربوط به اعتقادات و مسائل درونی کارگزار بوده و شدت و ضعف آن در عنصر اعتماد مردم به نظام و کارگزاران تأثیر می‌گذارد، تحول معرفتی و اعتقادی نسبت به نظام اسلامی و مبانی آن است. کارگزار ابتدا باید در خود این تحول اعتقادی و معرفتی را ایجاد کرده و سپس در افزایش اعتقاد عمومی مردم به این مبانی تلاش کند. افزایش اعتقاد عمومی با پیش‌زمینه شناخت معارف انقلاب اسلامی علاوه بر شناسایی افراد مستعد، زمینه اعتماد و امید را فراهم می‌آورد. به عبارت بهتر، اعتقاد به توجه خداوندگار عالم به این کشور، نگاه به راه طی شده و مسیر باقی‌مانده و توجه به سنت و وعده‌های محقق شده الهی امید به خالق را بیشتر کرده و در نهایت مردم و کارگزاران، خدا را مربی و هدایتگر اصلی می‌دانند. در نتیجه اعتقاد به خدا، مبانی نظام و انقلاب، اعتماد می‌آفریند. البته افزایش اعتقاد عمومی صرف پذیرش معارف مذکور نیست، بلکه معرفت توأم با عمل اعتمادآفرین بوده و این دو مکمل یکدیگرند. اگر معرفت‌افزایی به‌درستی صورت گیرد، قطعاً در پی آن، عمل خواهد بود و عمل بیشتر موجب افزایش معرفت هم می‌گردد.

۲-۵. اقدامی و عملیاتی

۱-۲-۵. افزایش انگیزه برای ایجاد اعتماد سیاسی در شهروندان

برای ایجاد اعتماد سیاسی، علاوه بر قابلیت اعتماد کارگزاران سیاسی و عوامل درونی و اعتقادی آنان، لازم است که شهروندان نیز انگیزه کافی برای اعتماد سیاسی داشته باشند. در اینجا دو عامل مهم می‌توان یافت که بر انگیزه اعتماد سیاسی شهروندان اثرگذار است:

۱-۲-۵. فرهنگ جامعه

فرهنگ موجود در جوامع، بر میزان اعتماد سیاسی شهروندان مؤثر است. برخی فرهنگ‌ها، بستر لازم برای اعتماد سیاسی را فراهم می‌کنند و برخی دیگر، به‌سوی کاستن انگیزه اعتماد سیاسی میل دارند. فرهنگ‌هایی که مشارکت را تشویق می‌کنند و مردم را به همکاری فرامی‌خوانند، انگیزه بیشتری برای اعتماد سیاسی در بین شهروندان ایجاد می‌کنند. همچنین فرهنگ‌هایی که دچار افراط‌گرایی و رادیکالیسم نیستند و به اعتدال میل دارند به همین شکل باعث افزایش انگیزه اعتماد شهروندان می‌شوند.

۲-۱-۲-۵. آگاهی سیاسی مردم

در مورد تأثیر آگاهی سیاسی شهروندان و اعتماد سیاسی، دو نظر وجود دارد: عده‌ای معتقدند که هرچه مردم در مورد سیاست بیشتر بدانند، بیشتر به سیاستمداران بدبین می‌شوند. به همین دلیل، اعتماد سیاسی میان اقشار تحصیل‌کرده که آگاهی سیاسی بالاتری دارند، پایین‌تر است. برخی دیگر با استناد به «نظریه انتخاب عقلانی» ادعا می‌کنند که مردم به حوزه‌هایی که با منفعت آنها گره خورده باشد، علاقه پیدا می‌کنند. بنابراین هرچه دلبستگی سیاسی بیشتری داشته باشند، اعتماد سیاسی آنها بیشتر می‌شود. به همین دلیل باید آگاهی سیاسی مردم بیشتر شود تا اعتماد سیاسی افزایش یابد. یکی از راه‌های افزایش آگاهی مردم، شرکت فعال در سیاست و مباحث سیاسی است. پس کسانی که در احزاب سیاسی مشارکت جدی دارند، اعتماد سیاسی بیشتری از خود نشان می‌دهند. هر دو نظر، شواهدی برای تأیید دارند.

چه چیزی باعث می‌شود افزایش آگاهی سیاسی به بی‌اعتمادی سیاسی منجر شود؟ زمانی که شرایط نظام سیاسی به‌گونه‌ای باشد که رویه‌ها و سیاستمداران برخلاف انتظارات مردم عمل کنند، افزایش آگاه سیاسی، بی‌اعتمادی مردم را به دنبال دارد. اما اگر نظام سیاسی (رویه‌ها و سیاستمداران) درست در جهت انتظارات مردم برنامه‌ریزی و حرکت نماید، با افزایش آگاهی سیاسی مردم، به‌صورت طبیعی، اعتماد سیاسی آنها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین تأثیر آگاهی سیاسی بر اعتماد سیاسی، مشروط به نوع عملکرد و تظاهرات نظام سیاسی است. اگر شهروندان تحصیل‌کرده غربی، به دولت‌هایشان بی‌اعتماد هستند، به این علت نیست که آگاهی سیاسی، اعتماد سیاسی را کاهش می‌دهد. بلکه به این علت است که این افراد مطلع و هوشمند، متوجه شده‌اند که بسیاری از سیاست‌های دولتی، در جهت منافع آنها نیست و همین

آگاهی باعث شده که اعتماد سیاسی‌شان کاهش یابد.

۲-۲-۵. مبارزه با فساد

اعتماد سیاسی به دستگاه‌های دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند. این امر قطعاً کار حکومت است و البته فقط به عهده قوه قضائیه نیست. ذهن هم فقط به سمت دستگاه قضائی نرود؛ دستگاه قضائی آخرالدواء است. بنابراین هم متوجه دستگاه قضایی و هم متوجه همه دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی است. تخلف دستگاه‌ها و عدم مبارزه با فساد در آن، عدم توجه به ایجاد امنیت روحی - روانی در مردم و نبود عدالت قضایی در تصمیم‌گیری‌ها، مواسات و برادری را از بین برده و سوءظن و آثار آن را برجای می‌گذارد. مردم در حکم افراد مستضعف‌شده در حکومت‌ها هستند و اگر حکومت مانند پدری مهربان با مردم برخورد کند و نگذارد متجاوززی حقی را پایمال کند، همین اسباب اعتماد را حاصل می‌کند.

طبیعت مبارزه با فساد درگیری با فاسد و مفسد است و همین درگیری اگر به‌درستی با منطق درست شفاف‌سازی نشود اثرات سوئی به‌دنبال دارد. اصل مبارزه با فساد باید با شفافیت همراه باشد؛ زیرا خود شفافیت هم در مبارزه با فساد تأثیر بسزایی دارد. پس مبارزه با فساد اعتماد و امید مردم به نظام اسلامی را افزایش می‌دهد. این مبارزه (مبارزه با فساد) برای مردم نقطه امید، اعتماد و اتکا است. مردم به این مبارزه دل بسته‌اند و ادامه آن را خواهان‌اند؛ حق هم دارند. این امر باید در همه دستگاه‌ها جدی گرفته شود. مبارزه با فساد خودبه‌خود امید و اعتماد را در مردم زنده می‌کند (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۸۲/۱/۱).

۳-۲-۵. مبارزه با تجمل‌گرایی و اشرافیت

یکی دیگر از راه‌های افزایش اعتماد سیاسی مردم در مقام اقدام و عملیات، مبارزه با تجمل‌گرایی و اشرافیت است. البته این مبارزه مربوط به خود دستگاه حاکمیت و مسئولان می‌گردد. سیره زندگانی رهبران اسلام و انقلاب، همواره بر این مورد، هم در رفتار و هم در گفتار، تأکید بسزایی دارد. مردم هم آگاهی و هوشیاری کامل دارند و این مسائل را به چشم خود می‌بینند که فلان مسئول یا نماینده در سبک زندگی خود چگونه رفتار می‌نماید. ساده‌زیستی، اعتمادسازی مردم را به‌دنبال دارد. حتی در نظام‌های سیاسی غیراسلامی هم مردم به رهبران ساده‌زیست، بیشتر باور و اعتماد دارند و این امر پوشیده‌ای نیست. رهبر معظم انقلاب در این خصوص عتاب‌های زیادی به مسئولان دارند و این‌گونه اشاره می‌نمایند:

شما چگونه می‌خواهید محبت و اطمینان مردم را جلب کنید؟ مردم باید به من و شما اعتماد داشته باشند. اگر ما دنبال مسائل خودمان رفتیم، به فکر زندگی شخصی خودمان افتادیم، دنبال تجملات و تشریفاتمان رفتیم، در خرج کردن بیت‌المال هیچ حدی برای خودمان قائل نشدیم - مگر حدی که

دردسر قضائی درست بکند - و هرچه توانستیم خرج کردیم، مگر اعتماد مردم باقی می‌ماند؟ مگر مردم کورند؟ ایرانیان همیشه جزو هوشیارترین ملت‌ها بوده‌اند؛ امروز هم به برکت انقلاب از هوشیارترین‌هایند؛ از هوشیارها هم هوشیارترند. آقایان! مگر مردم نمی‌بینند که ما چگونه زندگی می‌کنیم؟ (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۷۰/۵/۲۳).

۴-۲-۵. رفع ناهنجاری‌ها از نظام مدیریتی

سیستم اداری کشور به‌عنوان لایه اول ارتباط مردمی با بدنه دولت، ازجمله موارد حساس در ایجاد اعتماد و رضایت عمومی است. وجود کاغذبازی، دیوان‌سالاری، تشابهات نظامی با ساختارهای غربی و تبعیض، باعث شکسته شدن روح معنویت، سرآغاز گناه و حيله‌گری و در نهایت باعث از بین رفتن اعتماد عمومی می‌شود. شناخت آسیب‌های مدیریتی و اشکال‌زدایی برای حل آن، می‌تواند موضع منفعلانه را تبدیل به موضع فعالانه کند. در شرایط فعلی باید سازوکارهای مدیریتی و مشکلات آن را با مردم در میان گذاشت. همین امر، اعتماد مردم، سپس حمایت و همراهی آنان را به‌دنبال دارد.

۵-۲-۴-۱. بهسازی نظام مدیریتی در پرداخت و توزیع منافع عامه

بی‌عدالتی در پرداخت و عدم توازن در سیاست‌های پرداختی کشور، باعث تشویش اذهان عمومی و عدم رضایت و اعتماد می‌شود. به‌عنوان مثال پرداخت به توده مردم که غالباً کارگر هستند و از ضعف طبقاتی بیشتری نسبت به سازمان‌های اداری کشوری برخوردارند، اگر به‌صورت متوازن صورت نگیرد، بی‌اعتمادی را به‌دنبال دارد.

۵-۲-۴-۲. افزایش مداخلات با مردم و جبران نواقص مالی و جانی آنان

یکی از راه‌هایی که به‌وسیله آن می‌توان ناهنجاری‌های مدیریتی را اصلاح کرد و در ادامه، اعتماد مردم را کسب نمود، مداخلات و همراهی با مردم - به‌خصوص در مواقعی که دچار زیان مالی و جانی شده‌اند - است. خودبه‌خود این مسئله اعتماد عمومی را به‌دنبال خواهد داشت. البته این کار ریشه در اسلام و حکومت‌داری اسلامی دارد.

در این خصوص حضرت امیر علیه السلام به مالک اشتر می‌فرمایند:

اگر مردم از سنگینی خراج [مالیات] یا مشکلی از قبیل بریدن آب یا دگرگون شدن زمین چون در آب فرورفتن یا تشنگی بر اثر نیامدن باران یا آفت‌زدگی، شکایت نزد تو آوردند، آن‌قدر که امید داری که خدا کارشان را به آن سامان دهد، به آنان تخفیف بده و اگر از تو کمکی برای بهسازی امور خود با سرمایه خویش درخواست نمودند به آنها کمک کن؛ زیرا این کمک تو، سرانجام خوبی دارد. پس بر تو گران نیاید که به آنها تخفیف داده‌ای یا کمک کرده‌ای؛ زیرا این اندوخته‌ای است که مردم با آباد ساختن سرزمین و آرایش حکومت تو به تو بازش گردانند و نیز دوستی و خویشینی و خیررسانی آنان را نسبت به تو به‌دنبال خواهد داشت و به آنچه خدا به آن جلب محبت آنان را آسان نماید، دست خواهی

یافت؛ زیرا خراج و مالیات با سختگیری و به رنج انداختن مردم به دست نمی‌آید، هرچند این خود قراردادی است که آن را پشتوانه خود ساخته‌ای و اگر حادثه‌ای رخ داد روی آنان می‌توانی حساب کنی و از مازاد نیرویشان استفاده نمایی؛ چون دوستی و اعتماد آنها را اندوخته‌ای؛ به این صورت که آنان را به عدالت و نرم‌رفتاری خود عادت دادی و آنها عذر تو را در پیشامدی که رخ داده و تو برای رفع آن به پشتیبانی آنها نیاز داری، فهمیده‌اند؛ پس با جان و دل آن را می‌پذیرند (حسن‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۱۳).

۵-۴-۳. افزایش دیدارهای عمومی با مردم

همچنین دیدارهای عمومی کارگزاران و نمایندگان مجلس در تبدیل عرق ملی به سیاست‌های راهبردی برای حکومت در افزایش اعتماد عمومی مؤثر است. بازسازی اعتماد عمومی بر این اساس در سازوکاری متشکل از مجموعه‌ای از رفتارها، تصمیمات و عمل کارگزاران سیاسی به دست می‌آید. استقبال عمومی از حضور سرزده عالی‌ترین مقام اجرایی در بین مردم از این جهت اهمیت دارد که افکار عمومی، رئیس‌جمهور را در نقطه‌ای دور از واقعیات زندگی خودش احساس نمی‌کند. وقتی یک مسئول مهم کشوری صدها کیلومتر دورتر از دفتر کارش را از نزدیک بازدید می‌کند، دو پیام مهم به مردم می‌دهد: یکی اینکه دولت حرف مردم را مستقیم می‌شنود و این تبدیل به یک راهبرد کلان برای تمام ارکان دولت می‌شود. وقتی رئیس‌جمهور به دورترین نقطه کشور برود و مستقیم با افرادی که حرف دارند روبه‌رو شود، وزرا و معاونان و مدیران میانی‌تر تکلیفشان روشن می‌شود. دیگر اینکه دیوار بی‌اعتمادی مردم به ساختار دولت ترک برمی‌دارد؛ دیواری که به تدریج در سال‌هایی به واسطه رفتار صاحبان مسئولیت ساخته شده و باید از میان برداشته شود.

۵-۴-۵. ارتقای کارآمدی

کارآمدی دولت (یا حکومت) عبارت است از تحقق عینی یا توان نظام برای تحقق کارکردهای اساسی دولت، به گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را مشاهده و لمس کنند. اگر این معنا در نظر گرفته شود، کارآمدی دولت با مفاهیم مانند کارایی، پاسخ‌گویی و مشروعیت، همخوانی پیدا می‌کند (Lipset, 1963: 76). پرواضح است که کارآمدی ساختار سیاسی حکومت و کارگزاران، یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش اعتماد سیاسی در حوزه اقدامی و عملیاتی است. تخصص و کارایی کارگزار و نماینده مجلس، آن‌هم به‌طور محسوس که در فضای عمومی قابل لمس باشد، معجزه می‌کند. از آنجایی که مبنای حکومت، اسلامی است، قطعاً ساختار نظام اسلامی، ساختار کارآمدی بوده و کارایی خودش را دارد؛ اما عمل به وظایف در ساختار حکومت اسلامی، آن‌هم به‌صورت تخصصی، مبانی و مفاهیم کارساز دین و اسلام را به منصف ظهور رسانده و عنصر اعتماد عمومی را خلق می‌کند.

۳-۵. اقناعی و شناختی

سومین مؤلفه از مؤلفه‌های افزایش اعتماد سیاسی، مؤلفه مربوط به اقناعی و شناختی است. در ابتدای گزارش و در چارچوب مفهومی مطرح شد که منظور از اقناعی و شناختی سازوکارهایی است که دستاوردهای سیاسی و غیرسیاسی دولت و کارگزار را در انظار عمومی قرار داده و موجب اقناع عمومی و اصلاح شناخت منفی از دولت و کارگزار گردد که در نتیجه آن اعتماد عمومی مردم به دولت افزایش می‌یابد. پس نیاز است که این مؤلفه تقویت گردد و ضعف آن دو مؤلفه دیگر را تحت تأثیر قرار ندهد؛ چراکه ضعف در این مؤلفه با در نظر گرفتن جنگ شناختی و عملیات روانی دشمن، اعتماد عمومی کارآمدترین دولت را هم پایین می‌آورد.

۳-۵-۱. افزایش توان رسانه‌ای و نشر کارآمدی نسبت به بازتاب شایعاتی و خبری غرب

در برابر شایعات خبری و امپراطور رسانه‌ای غرب که بهترین دستاوردهای نظام و دولت را ناچیز شمرده یا با پرداختن به جنجال‌های سرانه و موضوعات سطحی، از آن دستاوردها غفلت ایجاد می‌کند، باید توان رسانه‌ای بهبود و ارتقا پیدا کند؛ چراکه رشد و مدیریت فضای رسانه‌ای در حال حاضر برای هر کشوری رکن اصلی است. اتحادیه اروپا با تصویب قانون^۱ GDPR برای هر تجاوز به حریم شخصی شهروندان جریمه نقدی تصویب می‌کند و حتی قشر آسیب‌پذیر خود را (کودکان) در فضای رسانه‌ای دارای حقوقی ثابت کرده و جرائم سنگین نسبت به رعایت نکردن حق کودکان کنار گذاشته است. حتی برخی از قوانین رسانه‌ای در کشورهای یهودی‌نشین، خبر از جرائم سنگین و مجازات‌های قضایی نسبت به نشر محتوای نامناسب در فضای رسانه‌ای دارد. اسرائیل و کشورهای اروپایی برای فضای مجازی خود حد و مرز تعیین می‌کنند، اما رسانه داخلی هنوز به ثبات مناسب نرسیده، برنامه منظمی تعیین نشده و نشر گسترده اخبار به دست رسانه داخلی محقق نمی‌شود. این یعنی همه ابزار سیاست‌گذاری ناخواسته مدیریت می‌شود. مقام معظم رهبری هم در خصوص قدرت رسانه‌ای چنین اشاره می‌کند:

یک نقطه دیگر از عرصه‌های درگیری، فهم درست واقعیت‌های ایران و جهان است. اینکه شما فهم درستی از واقعیت‌های کشورتان داشته باشید، به ضرر آنهاست؛ با این مخالفند، با این مبارزه می‌کنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، به خصوص رسانه‌هایی که امروز نوپدید است. با تصویرسازی غلط سعی می‌کنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره ایران، هم تصویر غلط درباره خودشان، هم تصویر غلط درباره اوضاع منطقه (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۷/۱۲).

به عبارتی ابزار رسانه که دست دشمن افتاده، با تصویرسازی غلط، واقعیت موجود را که شامل

۱. قانون GDPR مخفف General Data Protection Regulation و به معنای قانون محافظت از داده‌های عمومی است با هدف حفظ اطلاعات شخصی افراد و حریم خصوصی آنها.

کارآمدی‌های نظام در عرصه‌های مختلف است نادیده گرفته و حکومت منحوس و طاغوتی پهلوی را تطهیر می‌کند. اگر تاریخ اسلام ملاحظه شود، با اینکه در آن زمان ابزارهای رسانه‌ای به این مقدار پیشرفته نبوده، فردی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با آن مقام مقدس و عظمت معنوی، در نزد عده‌ای به‌عنوان یک بی‌نماز معرفی می‌کنند. در نتیجه افزایش توان رسانه‌ای برای ایجاد و تقویت اعتماد سیاسی، مسئله‌ای نیست که به‌راحتی بتوان از آن چشم پوشید.

۳-۲. شفافیت خبری

مردم انتظار دارند مسئولان مواضع و رویکردهای خود را به‌طور شفاف بیان کنند. پنهان کاری دورویی و نفاق، از عوامل اصلی سلب اعتماد است. تأکید رهبری هم بر این مسئله است که مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷/۷/۳۰). قصور و کاستی‌ها، دستاوردها و هر مسئله‌ای که متوجه مردم می‌شود، نیاز به بیان شفاف در ارائه اخبار دارد. این بیان شفاف البته باید صریح، واضح، صادقانه و به‌دور از ابهام اتفاق بیفتد؛ چراکه اگر اخبار درست، مغلق و پیچیده نشر شود، دوباره برداشت‌های چندگانه از آن منجر به بی‌اعتمادی در ساختار سیاسی می‌گردد.

۳-۳. امیدآفرینی با واقعیات موجود

تذکر به واقعیت، غفلت و توهم پوچی را سلب می‌کند. بمباران شایعاتی غرب جز با ناامیدی و پوچی همراه نیست. برخلاف نظریه‌های پوچ و نظام رو به افول غرب، مبانی و واقعیت‌های ملموس اسلام نگاه تازه‌تری ایجاد می‌کند. اگر رسانه داخلی حقیقت را نشانه رفته و سعی کنند خط مرزی بین واقعیت و حقیقت را به مردم به‌درستی بفهمانند امید مثبت و اعتماد به وجود خواهد آمد. مسئله ایجاد امید و اعتماد براساس واقعیت‌ها مورد تأکید رهبری در سال‌های متمادی بوده و در بیانیه گام دوم انقلاب هم معظم له به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین جهادها و وظایف برشمردند:

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومی‌ی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است (رهبر معظم انقلاب؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳).

البته به این نکته باید توجه داشت که حقایق از بُعد انسان‌شناسی اسلامی و حکومت‌داری دینی باید گفته شود. مهم‌ترین وجه تمایز اسلامی بودن با سایر نظریات، ورود عالم غیب به روزمرگی‌های دنیوی است. در

واقع هیچ واقعیتی همچون یاد خدا آرامبخش نیست و هیچ توجهی همچون نصرت الهی پرده ناامیدی را نمی‌شکافد. به عبارت بهتر اگر بیشتر حقایق دنیوی به صورت مستقل بیان شود، خودش عامل ناامیدی است؛ زیرا این حقایق محدودند، ولی وقتی واقعیت‌های خبری با تبیین سرپرستی و ربوبیت حقیقی خداوند بیان می‌شود معجزه می‌کند. خلاصه اینکه بیان حقایق و امیدآفرینی با چاشنی خداشناسی و حقایق اصیل دینی، اعتماد عمیق مردم را به ارمغان می‌آورد.

۳-۴. نشر کارآمدی نظام

نظام اسلامی، پایه‌های محکم دینی دارد و منطبق با نظام تکوین و فطرت انسان‌هاست. بنابراین عمل به مبانی و فرایندهای این نظام، کارآمدی در همه عرصه‌های مختلف را به دنبال دارد و این به تجربه در همه عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی دیده شده است. دستاوردهای انقلاب اسلامی که فهرست طولانی از آن منتشر شده و ملموس گردیده است، حکایت از این کارآمدی دارد. البته پوشیده نیست که نواقص و کاستی‌هایی در این مسیر رخ داده و با آنچه باید اتفاق می‌افتاده فاصله زیاد است؛ اما به همین مقدار موجود باید این کارآمدی در فضاهای مختلف رسانه‌ای نشر داده شود و اقناع عمومی در برابر آن شکل گیرد. نکته دیگر اینکه وقتی در مورد کارآمدی یک نظام حرف می‌زنیم نباید با اهداف غیر از آن نظام مقایسه صورت گیرد و انتظارات خارج از چارچوب آن ایجاد شود. در واقع نظامی کارآمد است که مطابق هدف خود، پیش رفته باشد. نظام اسلامی اهداف خدامحوری بر پایه مفاهیم اصیلی دینی دارد و باید سنجید که چقدر در این زمینه موفق شده است. به طور کلی، کارآمدی انقلاب اسلامی متناسب با اهداف آن سنجیده می‌شود و این فراتر از اهداف حکومت‌های غرب و نظام‌های غربی است؛ چراکه اهداف و معیار آنها کاملاً متفاوت است.

در نتیجه باید برای ایجاد اعتماد سیاسی بین مردم و نظام اسلامی یا نمایندگان مجلس، کارآمدی نظام نشر و تبلیغ شود و در برابر شبهات ناکارآمدی با حرکت راهبردی جهاد تبیین که یک واجب قطعی و فوری است مقابله گردد.

نتیجه

با توجه به مطالب بیان‌شده، نتایج بحث را می‌توان در شش محور ارائه داد که بر این اساس، راهکارهایی عملی و سیاستی که اعتماد سیاسی را میان شهروندان و نظام اسلامی افزایش می‌دهد به شرح ذیل است:

۱. پایبندی به تقوای سیاسی (دولت، قوه قضائیه و نمایندگان مجلس)

تقوای سیاسی از جنس قانون نیست و لزوماً نمی‌توان با ابزارهای قانون‌گذاری آن را گسترش داد.

یعنی اگر برای رشد تقوا بین نمایندگان به سراغ ابزار قانون‌گذاری برویم، مسیری اشتباه پیموده‌ایم. اما این به این معنا نیست که راهکاری عمومی و اجتماعی برای رشد و گسترش تقوا نداریم. به برخی از این راهکارها اشاره می‌شود:

الف) یادآوری و تذکر: در بسیاری از موارد رفتارهای خلاف تقوا، ناشی از فراموش و غفلت است. اگر جامعه و خود نمایندگان نسبت به این موضوع تذکر بدهند، در این صورت احتمالاً این هنجار بیشتر رعایت می‌شود.

ب) افزایش آگاهی در رابطه با محرمات الهی و نیز ضرورت التزام به تقوا: کمبود آگاهی در رابطه با محرمات الهی باعث می‌شود برخی نمایندگان وارد حریم محرمات الهی شوند. برای رفع این مشکل، مناسب است که آموزش‌های لازم به‌صورت دوره‌ای ارائه شود و نمایندگان ضمن آشنایی با حرام بین و حلال بین، به لزوم رعایت تقوا و دوری از امور مشتبّه ترغیب شوند.

ج) لحاظ در کمیسیون نظارت بر رفتار نمایندگان یا ایجاد شاخصه تقوای صحیح در سازمان اداری و استخدامی کشور: همان‌طور که اشاره شد، قرار نیست تقوای سیاسی در قالب آیین‌نامه و قانون دربیاید. اما مناسب است که در قضاوت‌ها و بررسی‌هایی که در کمیسیون نظارت بر رفتار نمایندگان اتفاق می‌افتد به رفتارهای خلاف تقوا نیز توجه شود. همان‌طور که به‌صورت عرفی رفتارهای خلاف شأن نمایندگی در این کمیسیون بررسی می‌شود، رفتارهای خلاف روح تقوا نیز بررسی شود. مثلاً نطق نماینده‌ای که علی‌رغم دوری از دروغ، به شکلی دوپهلو سخن می‌گوید که باعث فریب افکار عمومی می‌شود می‌تواند از مصادیق رفتار و گفتار خلاف تقوا در نظر گرفته شود. از طرفی مسئولان دولتی که از طریق سازمان اداری و استخدامی کشور وارد مناصب حکومتی می‌شوند با لحاظ شاخصه تقوای سیاسی در جایگاه‌های دولتی قرار گیرند.

د) تأکید و تبلیغ رفتارهای مبتنی بر تقوا: در کشورهای مختلف، برای تبلیغ و ترویج هنجارها از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌شود. در اینجا نیز برای ترویج تقوا می‌توان از همین ابزارها استفاده کرد.

۲. تقویت باورها و اعتقادات اسلامی و انقلابی ابتدا در کارگزار و سپس در مردم

تقوای سیاسی یک رکن لازم است ولی همه ابعاد اعتماد سیاسی نیست بلکه مردم و کارگزار باید به مبانی و باورهای توحیدی اعتقاد داشته باشند. هرچه دایره اعتقادات مردمی بیشتر باشد میزان حمایت و مشارکت آنها از نظام بیشتر است. در واقع حکومت اسلامی با پشتوانه اعتقاد مردم به مرحله دولت اسلامی رسیده و اگر باور مردم تقویت شود و شناخت کافی به معارف انقلاب اسلامی داشته باشند اعتماد آنها و در نهایت تقوای عمومی افزایش می‌یابد.

این فراتر از ایجاد تقوای سیاسی مسئولان است. در واقع رشد اخلاق و اعتقاد با پشتوانه رشد سیاستمداران در مردم ایجاد می‌شود. اعتقاد، رسوخ قلبی در مردم ایجاد می‌کند که حقایق را با

واقعیت‌های موجود تطبیق داده و مشکلات و معضلات جامعه را با اعتقادات و باورهای دینی و کمک حوزه‌های علمیه حل کنند. به‌راستی اعتقادات استوار و اصیل، هدایت‌گر افراد به‌سمت ترسیم و جدایی واقعیت‌ها با تخیلات آدمی است. ملتی اگر خدای تبارک و تعالی را به مرتبه‌ای در زندگی خود ببیند و ندای نصرت الهی را در قلب خویش درک کند، به‌جای گوشه‌نشینی و حمایت از منافع شخصی خودش، حتی جان و مالش را در راه اعتقادات و مبانی اسلام و انقلاب می‌دهد و این به‌وضوح در دوران‌های مختلف انقلاب با جان‌فشانی هزاران شهید و جانباز دیده شده است.

۳. افزایش مشارکت سیاسی فعال

انگیزه سیاسی، هم باید در مسئولان سیاسی وجود داشته باشد و هم در مردم. مردم باید در فعالیت‌های سیاسی مشارکت کنند. این به آن معنا نیست که مشارکت سیاسی و آموختن فنون ابتدایی سیاست می‌تواند در اعتماد سیاسی تأثیر سوء بگذارد، بلکه شناخت روش و منش صحیح سیاسی و مشاهده رفتارهای مقابل آن در فعالیت‌های سیاسی دولت‌مردان و نمایندگان است که سوءظن می‌آفریند و اعتماد سیاسی را خدشه‌دار می‌کند. بنابراین شناخت موقعیت و اقدام لازم که از سوی دولت‌مردان و نمایندگان انجام می‌شود، می‌تواند اعتماد، بلکه رضایت و حمایت‌های مختلفی را از جانب مردم فراهم آورد.

اما انگیزه سیاسی ختم به معرفت سیاسی نمی‌شود، بلکه فرهنگ‌سازی درست در جامعه نسبت به حمایت و مشارکت در طرح‌های دولت و مجلس، تأثیر مهمی در اعتمادسازی دارد. اگر پیشکسوتان فرهنگی یا دستگاه‌های مردمی که بخش عظیمی از اعتبارات یک جامعه را فراهم می‌آورند تصور منفی از دولت و مجلس ایجاد کنند، پرده اعتماد شکسته می‌شود و نارضایتی، هرچند ناشی از شایعات دروغ باشد، جایگزین آن می‌گردد. دستگاه‌های فرهنگی می‌توانند در شخصیت‌دهی به دولت و مجلس اثر فراوان بگذارند.

۴. ایجاد روحیه مبارزه با فساد در جهت افزایش اعتماد سیاسی

نکته قابل‌توجه در ایجاد روحیه، احساس عزت دینی و ملی و افزایش اعتماد سیاسی، مبارزه با مجرای فساد و افراد فاسد است. مبارزه با فساد و مجازات مجرمان، هم اسباب آبادانی شهرها را به‌وجود خواهد آورد و هم آرامش و اطمینان قلبی را در مردم حاصل می‌کند. مراتب و سود این آرامش، فراتر از اعتماد چه‌بسا اسباب رشد و حمایت اقتصادی مردم را در بر خواهد داشت. وقتی فسادگر با دندان تیز قانون مواجه می‌شود استعدادهای خفته مردمی بیدار می‌گردد و ثمره خوبی برای رشد و تعالی نظام خواهد بود. البته باید شفافیت در مبارزه با فساد به خرج داد و دقت شود که هر اقدام قضایی که بتواند دندان‌گیر باشد، سریع و صریح به مردم بیان شود تا نقاط مثبت این مبارزه توسط معاندین به نقاط منفی تبدیل نگردد.

۵. رفع ناهنجاری از سیاست‌های اجرایی کشور و ارتقای کارآمدی

اگر تصمیمات اداری و اجرایی کشور، منصفانه و با رضایت و رفع ناهنجاری همراه باشد، اعتمادآفرین است. مردم نتیجه جزئی به‌دست‌آمده ولی ملموس را بیشتر می‌پسندند. بهسازی سیاست‌های پرداخت کشوری و ایجاد عدالت و انصاف در آن، توزیع عادلانه منافع عامه، ایجاد عدالت اخلاقی و رفتاری در منش و روش کارگزاران، مماشات با مردم و جبران نواقص مالی و جانی، افزایش دیدارهای عمومی با مردم کمک بسزایی در اعتماد سیاسی دارد. همچنین تأثیر ارتقای کارآمدی در اعتماد سیاسی در این راستاست. البته نظام، کاملاً کارآمد است و دستاوردهای بی‌شماری دارد؛ اما اجرای فرامین رهبری و مبانی اسلام و نظام اسلامی وقتی دچار خلل شود، کارآمدی ملموس را کاهش می‌دهد.

۶. افزایش توان رسانه‌ای و نشر کارآمدی

باید توان رسانه‌ای را در چارچوب قانون و شرع بالا برد تا شایعه، امکان شیوع نداشته باشد. شفافیت خبری، امیدآفرینی با واقعیت‌های موجود و نشر کارآمدی نظام، از جمله موارد مظلوم زمین‌خورده در عصر حاضر انقلاب است که اجرای آنها فرصت خوبی برای افزایش اعتماد سیاسی به‌دنبال دارد.

منابع

الف) فارسی

قرآن کریم.

۱. اسکندری، مجتبی، (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «بررسی ابعاد مفهوم اعتماد در اندیشه شهید مطهری و کاربرد آن در مدیریت سازمان‌ها»، دوفصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۸۳.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی بن حسین، (۱۳۸۷)، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم: آل علی علیه السلام.
۳. باقری، محمود، (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر نگرش به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی در میان شهروندان شهر شیراز»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۴.
۴. خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۹۸)، فصول هدایتگری، قم: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.
۵. توکلی، عبدالله، (۱۳۷۹)، اعتماد در سازمان با نگرش اسلامی، پایان‌نامه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۶. ثابت، زینب و ویشکا سوفه، (زمستان ۱۴۰۰)، «بررسی رابطه کارآمدی دولت و اعتماد اجتماعی در جامعه ایران؛ مطالعه موردی شهروندان شهر رشت»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره ۱.
۷. پایگاه حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، <http://khamenei.ir>.
۸. خواجه‌سروی، غلامرضا، (بهار ۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های اعتماد سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال اول، شماره ۱.
۹. ردادی، محسن، (۱۳۹۴)، سرمایه اجتماعی عدالت‌محور در اندیشه‌های امام خمینی و امام خامنه‌ای و کاربست آن در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پایان‌نامه، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۰. ردادی، محسن، (پاییز ۱۳۹۶)، «تقوای سیاسی و اعتماد سیاسی: مقایسه ظرفیت اعتمادسازی لیبرال دموکراسی و مردم‌سالاری دینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیستم، شماره ۷۶.
۱۱. ریحانی، جاسم، (آذر ۱۳۷۹)، «تقوای سیاسی در مکتب امیر مؤمنان علیه السلام»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۷۰.
۱۲. زارعی، راضیه، (بهار ۱۳۹۴)، «ظرفیت راهبردی فقه سیاسی شیعه در تولید اعتماد سیاسی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۴۹.
۱۳. سیاهپوش، امیر، (۱۳۹۸)، سیاست از منظر آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران: انقلاب اسلامی.
۱۴. سید رضی، محمدبن حسین بن موسی، (۱۳۶۷)، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۵. سید جوادین، سید رضا، (۱۳۷۸)، «روش‌های ایجاد اعتماد و سازمان»، فصلنامه مصباح، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۶. شامی‌زاده، بهروز، (۱۴۰۰)، عظمت ملت ایران قوی، تحول ۱۴۰۰، قم: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.
۱۷. شایگان، فریبا، (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال چهارم، شماره ۱.

۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۶)، *تفسیر المیزان*، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: رجا، امیرکبیر.
۱۹. قدسی، علیرضا، (۱۳۹۳)، *جایگاه اعتماد سیاسی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. کریمی، ابوالقاسم، (۱۳۹۸)، *معیشت مؤمنانه*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۵۸)، *صحیفه نور*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۲. معین، محمد، (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
۲۳. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۲۴. نراقی، مهدی، (۱۳۶۴)، *جامع السعادات*، ترجمه جلال‌الدین مجتبوی، تهران: حکمت.

ب) لاتین

25. Hardin, R., (2006), "The Street-Level Epistemology of Trust", in R. M. Kramer (Ed.), *Organizational trust: A reader*, pp. 21-47, New York: Oxford University.
26. Hetherington, Marc, (1998), "The Political Relevance of Political Trust", *The American Political Science Review*, 92, 4.
27. Lipset, S. M., (1963), *Political Man: The Social Bases of Politics*, New York: Anchor Books.